

## عنوان مقاله:

بررسی مفهوم انسان کامل در مثنوی مولانا و مقایسه آن با مفهوم بودهیستوه در مکتب مهیانه بودا

## محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

## نویسندگان:

ولی الله ساکی - استادیار دانشگاه پیام نور

مهررخ غضنفری - محقق علوم آماری و اجتماعی

## خلاصه مقاله:

از دیدگاه مولانا در مثنوی، صحنه گیتی هیچگاه از وجود انسان کامل و ولی الهی خالی نیست که متناسب با هر عصری، در شکل و صورتی متفاوت ظهور کرده و هدایت و ارشاد ابناء بشر را برعهده میگیرد. در میان اولیای الهی هم عصر، یکنفر قطب کامل وجود دارد که مقام و رتبه‌اش از دیگران بالاتر بوده و اولیاء جزء مطیع او هستند. اولیا و پیران الهی با تحمل مشقتهای مسیر ریاضت و تهذیب، خویش را از نفسانیات رسته و در حق فانی گشته‌اند و به این دلیل مرجع هدایت و ارشاد راهروان راه طریقت شده‌اند. مولانا بر لزوم تبعیت و اطاعت محض از انسان کامل به عنوان اصل اساسی در سلوک عرفان تاکید دارد و معتقد است که سالک نوپا برحسب استعدادها و نیازهایش، محتاج اخذ دستور و تجویزات خاصی است که جز از دست پیر آزموده ساخته نیست. همچنین، واردات قلبی سالک و تفکیک سره از ناسره آنها نیازمند نظارت و سرپرستی شیخ است. از دیگر سو، آموزه بودهیستوه در مکتب مهیانه مانند دیدگاه مولانا مبتنی بر نجات و دستگیری رهروان بوسیله بودهیستوگانی است که خود به نجات رسیده‌اند اما مانند پیران و ابدال از حق به سوی خلق آمده و نجات آنها را وجه همت خود قرار داده‌اند. بودهیستوها همچون پیران و شیوخ، برای نیل به این جایگاه، احوال و مقامات متعددی را پشت سر نهاده‌اند و شفقت و محبت، مبنای عمل ایشان می باشد. البته انسان کامل و بودهیستوه در زمینه اعتقاد به وجود و یا عدم وجود خدای واحد با یکدیگر اختلاف دارند بطوریکه انسان کامل، موحدی خداپرست است و بودهیستوه در بهترین حالت معتقد به شخص بودا است. همچنین، انسان کامل در میان خلق زندگی میکند و حال آنکه بودهیستوگان اغلب دیده نمیشوند و با فاصله، به دستگیری رهروان و سالکان میپردازد. هرچند شباهتها و تفاوتهای بسیار دیگری نیز وجود دارد.

## کلمات کلیدی:

انسان کامل، پیر، قطب، بودهیستوه، شفقت و محبت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/581747>

